

جلسه چهارم اعتقادات

«توحید - اقسام رحمت پروردگار»

۱- لزوم تفکر در رحمانیت و رحیمیت پروردگار

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ لَا
سِيَّمَا عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لِتُرَابِ مَقْدَمِهِ
الْفِدَاءِ وَاللَّعْنَةِ الدَّائِمَةِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى
قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ «لَا يَفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ،
وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ، وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ

عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُثُنَ ، لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ
لِلْحَقِّ كَارِهُونَ^۱

آیات شریفه‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی دخان است که بسیار این
آیات تکان دهنده و بیدارکننده است.

مسئله‌ی مهمی که امروز درباره‌ی خداشناسی باید عرض کنم
و بسیار اهمیت دارد بعد از علم و قدرت پروردگار که در
هفته‌ی گذشته عرض شد، دو صفت و یا یک صفت از
صفات الهی است که ان شاء الله هفته‌ی آینده درباره‌ی این
صفت و یا این نام مقدس پروردگار فکر کنید و متوجه باشید.

۱- سوره زخرف، آیه ۷۵-۷۸.

این قدمهایی که ما بر می داریم و ان شاء الله همه با هم بر می دارند، می خواهیم به سوی خداشناسی کامل و پر حقیقتی که عباد مخلصین پروردگار بیان کرده اند و خدای تعالی هم در قرآن به پیغمبر اکرمش وحی کرده و اگر کسی کوتاهی کند خود به خود از این قافله عقب می ماند و آنچه را که گفته ام در هفته های گذشته، که باید روی آن ها تکیه کنید و فکر کنید اگر نکردید، خودتان می فهمید که عقب افتاده اید و آن راهی که شما می روید غیر از آن راهی است که بندگان مخلص پروردگار می روند و من جداً عرض می کنم هر کس نمی تواند همگام حرکت کند خودش را به زحمت در این شهر بزرگ تهران که مشکل است سر ساعت خودشان را به مجلس برسانند، خودشان را به زحمت نیاندازند.

هفته‌ی گذشته درباره‌ی علم و قدرت پروردگار عرایضی عرض شد و قرار این شد که لااقل روزی نیم ساعت در صُنع پروردگار فکر کنید که ان شاءالله کرده‌اید و علم و قدرت پروردگار که عین ذات است برای شما روشن شده.

این هفته درباره‌ی رحمانیت و رحیمیت خدای تعالی باید فکر کنید و یک ساعتی من درباره‌ی این موضوع و توضیح این مطلب برایتان عرایضی دارم. در قرآن مجید بیشتر از هر اسمی از اسماء پروردگار، به رحمانیت و رحیمیت که در ظاهر دو اسم است ولی در واقع یک معنا دارد، در روایات دو معنا کرده‌اند ولی از یک ریشه این لغت و این کلمه منشأ می‌گیرد؛ رحمان است خدا، رحیم است خدا، خدای تعالی بر عده‌ای از خواص، رحمت خاصّه‌اش را می‌فرستد.

بنابراین، رحمت پروردگار را باید به سه بخش تقسیم کنیم: -
خوب دقت کنید

۲- رحمت عام پروردگار

یک رحمت عام پروردگار؛ رحمت عام پروردگار مهربانی خدا به همه‌ی مخلوقاتش، فرقی برای خدا ندارد که این کافر است یا آن مؤمن و یا این ملحد و آن شخصِ صادق. همه را روزی می‌دهد. «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»^۲، جاننداری در زمین نیست، آنچه را که می‌بینید می‌گویید، آنچه را که با چشمتان مشاهده می‌کنید که در هفته‌ی گذشته در باب

۲- سوره هود، آیه ۲.

قدرت پروردگار و علم پروردگار، درباره‌ی حیوانات و آنچه در روی زمین است از حشرات و ذرات جاندار، عرایضی عرض شد، هیچ جانداری در روی زمین نیست مگر آنکه بر عهده‌ی خدا است رزقش؛ «إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا».

خوب فکر کنید، این همه حیوانات، آن همه حشرات، آن همه حیواناتی که اهلی هستند و وحشی هستند در هر کجا که هستند مهربانی پروردگار، رحمانیت پروردگار ایجاب می‌کند که به آن‌ها روزی بدهد. تفصیل این موضوع را باز در کتاب‌ها گفته‌اند و شکی در آن نیست که روزی همه به عهده‌ی خدا است جز بشر که بشر را هم روزی می‌دهد ولی با "كَذِّ يَمِينٍ وَ عَرَقِ جَبِينٍ"، باید کار کند و توضیح این مطلب را هم در هفته‌های گذشته عرض کردم.

همه را روزی می دهد، همه را جان می دهد، همه را حیات می دهد. برای خدا فرقی در رحمانیت ندارد که این شخص شمر است یا آن، یک فرد صالح است. به همه محبت رحمانیت و مهربانی رحمانیت را دارد. این را می گویند مهربانی عام. همه از این مهربانی برخوردارند. فرعون و افرادی مثل او، ائمه ی اطهار و اولیای خدا، همه برخوردارند و رحمانیت خدا شامل حال همه ی این ها می شود. این معنی رحمانیت خدا است و معنی مهربانی خدا به نحو عام است. مهربانی عام پروردگار؛ مهربانی عام پروردگار بیشتر ظهور و بروزش در دنیا است و یا در عالم هایی که بر ما گذشته است و از دنیا بگذریم دیگر غضب پروردگار به عده ی خاصی ظالم و ملحد بی اعتقاد شروع می شود. فعلاً آنچه که ما مشاهده

می‌کنیم، مهربانی عام پروردگار است. مهربانی عام پروردگار
فرقی بین مؤمن و کافر، بین مشرک و موحد نمی‌گذارد. این را
می‌گویند مهربانی عام که زیاد هم شما می‌توانید درباره‌ی این
مهربانی فکر کنید و خدا را مشاهده کنید و محبت پروردگار را
بینید.

حتّی گاهی می‌شود که آن قدر بعضی از کفار و مشرکین را
خدا در رفاه گذاشته و رحمانیت خدا شامل حالشان شده که
مؤمنین تعجّب می‌کنند که چرا اینها این مقدار در رحمانیت
خدا قرار گرفته‌اند که روزی شخصی آمد خدمت امام صادق
علیه السلام عرض کرد: "یا بن رسول الله من بیشتر می‌بینم
دوستانان گرفتار و دشمنانان در رفاه." حضرت فرمودند که
"هر کسی کار خوبی و کار بدی دارد. مؤمنین گاهی ممکن

است از آن‌ها کار زشتی سر بزند؛ خدای تعالی آن‌ها را در همین دنیا عذابشان می‌کند، گرفتارشان می‌کند تا آنکه از روز اولی که وارد عالم آخرت می‌شوند مشکلی نداشته باشند، تصفیه حساب شده باشد. و طبعاً کفار و مشرکین و معاندین هم یک کارهای خوبی گاهی دارند و از خدا مزدشان را طلبکارند و خدای تعالی در دنیا به آن‌ها محبت، مهربانی می‌کند. در دنیا آن‌ها را بیشتر مشمول رحمانیتش می‌کند. یا طبق آن آیه‌ی شریفه «إِنَّمَا نُمِلُّ لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا»^۳ ما به این‌ها مهلت می‌دهیم، بهشان مهربانی می‌کنیم، نعمت بهشان می‌دهیم تا گناهشان را مضاعف کنند «وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»، در

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۷۸.

وقتی که وارد بر ما می‌شوند، دیگر حساب خرده‌ای نداشته باشند، تصفیه حساب شده باشد، نگوید: "خدایا! من فلان کار خیر را کردم پس مزد من چه شد؟ خدا در جواب می‌فرماید: آن نعمت و آن محبت و آن مهربانی را من به تو کردم و حالا نوبت جزای اعمال است. این معنای رحمت و مهربانی عام پروردگار است.

من اینکه گاهی یک جمله‌ی محبت به زبانم می‌آید و ردّ می‌کنم، محبت، خدا به این افراد ظالم ستمگر ندارد؛ سبق لسانی است که می‌گویم محبت، مهربان است، گاهی انسان می‌شود که به دشمنش هم مهربانی می‌کند اما محبت به او ندارد. محبت خدا به افراد ظالم، ستمگر، مخصوصاً افرادی مانند فرعون ندارد. ولی مهربان است.

گاهی می‌شود خدای تعالی همه‌ی این افرادی که تحت عنوان رحمانیتشان قرار داده گاهی خدا می‌خواهد به طرف رحیمیت هم آن‌ها را دعوت کند، بکشانند. نه اینکه فکر کنید بعضی افرادی که معمولاً افراد خوش جنسی هستند؛ حتی بدجنس‌ترین افراد را گاهی خدا دعوتشان کرده می‌بینید به حضرت موسی خدای تعالی می‌فرماید: «إِذْهَبْ»^۴ یا «إِذْهَبَا»، وقتی خطاب به موسی و هارون است «إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ»، بروید به طرف فرعون طغیان کرده، «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّنَا» با مهربانی، با نرمی با او صحبت کنید، «لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ»^۵ شاید او هم بیاید، شاید او هم با مؤمنین همراه شود و مشمول

۴- «إِذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» سوره طه، آیه ۲۴.

۵- سوره طه، آیه ۲۴.

رحیمیت پروردگار گردد. این رحمت رحمانیت، رحمت عام و مهربانی عام است. و شما روی این مسأله زیاد فکر کنید. فکر نکنید که اگر نستجیر بالله خدا کارهایش حساب می داشت، نباید به افراد ظالم و ستمکار محبت، مهربانی، بکند. و این مطلب را هیچ وقت تو ذهنتان نگردانید. جوابش همین بود که عرض کردم. و ان شاء الله روی این مسئله خوب فکر کنید تا رحمانیت پروردگار کاملاً در مقابل چشمتان روشن شود. به هر چه نگاه کنید می بینید رحمانیت الهی شاملش شده، اعم از مؤمن، متدین، کافر، مشرک، همه ی این ها رحمانیت الهی شاملشان شده.

نگویید که من رفتم فلان گناه را کردم هیچ طورم نشد.
خدای تعالی صابر است. «إِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفُوتَ»^۶ آن
کسی عجله می کند که بترسد از دستش در برود. شما وقتی
که دشمنان را می بینید و کاملاً بر او مسلط هستید عجله
می کنید که او را بگیریدش، ناراحتش کنید، چرا؟ به خاطر
اینکه ممکن است فرار کند، دیگر دسترسی به او نداشته
باشید. خدای تعالی این طور نیست. تو دنیا شد معذبت
می کند در مقابل ظلمی که کردی، نشد در آخرت، نشد در
جهنّم. از دست خدا و از تحت قدرت پروردگار نمی تواند
کسی فرار کند و خدا هم عجله ندارد به جهت اینکه خوفی

۶- بحارالانوار، ج ۹، ص ۱۷۸.

در کار نیست، فراری در کار نیست، «لَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ»^۷، که در دعای کمیل هم می خوانیم، پس بنابراین، روی این مسأله فکر کنید. ان شاء الله باید خوب فکر کنید و حقیقت را که هست در ذهنتان بسپارید. این مجلس، مجلس ذکر مصیبت که بسیار ارزشمند است نیست. درس است، خوب دقت کنید.

۳- رحمت خاص پروردگار

بحث بعدی مهربانی خاص پروردگار است. لذا در قرآن خدای تعالی در مخصوصاً بسم الله، این دو اسم را پشت سر

۷ مصباح المتهجد، ص ۸۴۴.

هم پشت سر هم تکرار کرده چون این دو اسم را اکثرمان، مخصوصاً مؤمنین و متدینین مشاهده می‌کنیم. رحیمیت پروردگار یک مهربانی خاصّی است که به عده‌ی خاصّی متوجّه می‌شود. خدا رحمان است برای همه، رحیم است برای مؤمنین.

چند شرط دارد که رحیمیت پروردگار، آن عنایات خاصّه، آن مهربانی خاصّ، آن محبت - اینجا می‌گوییم محبت - آن محبت خاص، آن محبتی که باید به مؤمنین داشته باشد؛ این شخصی که مشمول رحیمیت پروردگار می‌شود، یک خصوصیتی باید داشته باشد.

اول کارش این باشد که هیچ گناه نکند. روز قیامت که می‌شود این افرادی که گناه نکرده‌اند، افرادی که تزکیه‌ی نفس

کرده‌اند، افرادی که متوجّه خدا بوده‌اند این‌ها را خدای تعالی وقتی وارد قیامت می‌شوند، خدا بهشان سلام می‌فرستد، «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ»^۸، من ربّ رحمان نمی‌گويد، از طرف پروردگار رحيم؛ يعنى اين بودندتان شما اينجا، اين سلامى كه خدا از ناحيه‌ى خودش فرستاده، اين ورودتان به بهشت، اين همه نعمت در اثر رحيميت پروردگار است. رحيم است خدا يعنى مهربانى خاصى به افراد خاصى دارد.

۸ - سوره يس، آيه ۵۸.

۴- شرط شامل شدن رحیمیت

شرط اولش این است که مؤمن باشید. «وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» همه‌ی مردم در زیانند، خدا بهشان مهربانی می‌کند، رحمانیتش را اعمال می‌کند اما در زیانند، ضرر می‌کنند، «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»، مگر کسانی که ایمان آورده، و عمل صالح کرده و امر به معروف نموده «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» و وصیت به صبر می‌کنند دیگران را که آرام باشید، انتظار بکشید، «ان شاء الله» روز شما هم می‌رسد، «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»^۹.

۹- سوره عصر، آیه ۱-۳.

افراد مؤمنی که خدا در قرآن وصفشان کرده «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»^{۱۰} مؤمنین رستگارند، با کلمه‌ی «قد» هم بیان کرده؛ یعنی قطعاً، تحقیقاً. خدا می‌گوید: قطعاً و تحقیقاً مؤمنین رستگارند و در مقابلش «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَاها»^{۱۱}، رستگار است قطعاً، یقیناً کسی که خودش را، نفسش را تزکیه کرده باشد.

در سوره‌ی مؤمنون خدای تعالی صفات تزکیه شده‌ها را بیان می‌کند، تا می‌رسد به آنجا که «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^{۱۲}، آن‌هایی که به امانات مردم، به امانت‌های خدایی، به امانتی که خدا به آن‌ها سپرده، که منظور پیغمبر اکرم و

۱۰ - سوره مؤمنون، آیه ۱.

۱۱ - سوره شمس، آیه ۹.

۱۲ - سوره مؤمنون، آیه ۸.

عترت پاک آن حضرت است، امانتی که امروز در دست ما است و باید در اختیار ما باشد و در کوهی زمین هست، وجود مقدّس «حجه‌بن‌الحسن» است، «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ» عهدشان، این‌ها را رعایت می‌کنند و صفات عجیبی خدای تعالی که تمامش با صفات اهل تزکیه‌ی نفس تطبیق می‌کند، در سوره‌ی مؤمنون بیان کرده است.

آن‌هایی مشمول رحیمیت پروردگار می‌شوند که خدای تعالی باز در جای دیگری از قرآن وصفشان کرده، «وَعِبَادُ الرَّحْمَانِ»، عباد رحمانند اوّل، مشمول رحمانیت خدا هم هستند. «وَعِبَادُ الرَّحْمَانِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ

قَالُوا سَلَامًا»^{۱۳} تا جایی که می‌رسند به این جمله «وَأَجْعَلْنَا
لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^{۱۴} به آن مقام می‌رسند که برای اهل تقوا، تقاضا
می‌کنند که ما را خدا خدایا! ما را رهبر قرار بده. عباد الرحمن
این چنین هستند. این‌ها مشمول رحیمیت پروردگارند، یعنی
علاوه‌ی بر رحمانیت، رحیمیت خدای را هم اخذ می‌کنند.
این رحمت خاصّه است.

هر چه ما عرض می‌کنیم که آقایان! تزکیه‌ی نفس کنید، اهل
تقوا باشید، کوشش کنید برای هوای نفس، برای اینکه مردم
چه می‌گویند؛ این همه محبّت پروردگار و رحیمیت پروردگار
را از دست ندهید. برای این است که در دنیا ممکن است از

۱۳- سوره فرقان، آیه ۶۳.

۱۴- سوره فرقان، آیه ۷۴.

نظر ظاهر شما چیزی متوجّه نشوید، نفهمید چه فرقی بین شما و مشرکین است مملکت اسلامی، شما چه فرقی با ممالک کفر دارد. این‌ها را ممکن است در دوران زندگیتان متوجّه نشوید که اگر واقعاً به حقیقت برسید، این را هم متوجّه می‌شوید.

یک لذّتهایی خدای تعالی در مناجات با خودش، در ارتباط با خودش به انسان عنایت می‌کند که ما وقتی طلبه بودیم در کتاب سیوطی را می‌خواندیم، یک وقت دیدم که یک جمله‌ای آنجا نوشته که «أَيْنَ الْمُلُوكِ وَ أَبْنَاءُ الْمُلُوكِ»، پادشاهان که در ناز و نعمتند و پسران پادشاهان کجایند؟! بیایند ببینید ما با حل یک مشکل علمی چه لذّتی می‌بریم که آن‌ها به خوابشان هم نمی‌بینند. یک لذّتهای علمی در همین

دنیا هست برای اهل ایمان. یک مطلبی که برای انسان کشف می‌شود، یک حقیقتی که باز می‌شود، آن چنان انسان لذت می‌برد که شاید بگوید: «در دنیا کسی، در حد لذتی که من می‌برم وجود نداشته باشد».

۵- فرق مکاشفه علمی و غیر علمی

«مکاشفات علمی». شما اگر الان چشم‌هایتان را روی هم بگذارید و تمام مشاهد مشرفه را ببینید در حال خواب و بیداری و از زیارت این مشاهد کاملاً استفاده کنید، کیف کنید به اصطلاح، این را می‌گویند «مکاشفه غیر علمی»، اما مکاشفه علمی یک مطلبی، همین معنای رحمانیت خدا یا رحیمیت خدا را اگر خدا می‌داند توی همین مجلس من و

شما خوب به حقیقتش برسیم، یک لذتی می بریم که اصلاً با
مکاشفات غیر علمی قابل مقایسه نیست. این مطلبی
فهمیدی، به یک جایی رسیده‌اید. چون ما اهل علوم دنیایی
هستیم و اهل دنیا هستیم بد نیست برای بعضی این مثل را
بزنم. یک وقتی خود من توی یک بخشی بودم، برداشتم نگاه
می کردم، مطالعه می کردم، خودم را نمی خواهم بگویم چون
خیلی بچه گانه است، ولی وقتی کشفش کردم آن چنان
خوشحال شدم رفتم به این و آن گفتم من یک چنین کشفی
کردم که اگر مثلاً برقی را به کجا متصل کنید با یک سیم
می شود چراغی روشن کرد. بعضی ها هم به من خندید گفتند
اینها همه معلوم است همه می دانند تو نمی دانستی. ولی
لذتش بود، ابتکارش مال من بود. من فهمیده بودم. شما خیال

می کنید که این مکتشفین و مخترعین که توی آزمایشگاه روزها می نشینند و دارند چیزهایی را کشف می کنند این ها با فشار و ناراحتی آنجا نشسته اند؟ لذّت می برند. آن چنان لذّت می برند که گاهی از خوردن و خوابیدن فراموش می کنند. این به خاطر این است که من و شما یا اکثریتمان، ان شاء الله اقلیتی باشند که این لذّتها را لذّت ندانند و اگر یک حقیقت را یافتند، یک مطلبی درباره خدا، درباره ائمه، درباره ی قیامتشان تشخیص دادند و درک کردند آنجا می فهمند که لذّتهایی که نیوتن و انشیتن و امثال این ها می برند تو آزمایشگاه آن ها لذّت نبوده، آن ها لذّتهایی بوده که یک کشفی کردند برای همین دنیایشان. ولی تو کشفی کردی که دنیایت اصلاح میشود، برزخت اصلاح میشود، قیامت

اصلاح میشود و بهشت هم اصلاح می شود. اینجا است که انسان می فهمد که لذت یعنی چه؟ اگر مالذت رحمانیت پروردگار را، لذت رحیمیت پروردگار را بچشم حاضر نیستیم کار دیگری بکنیم. روزها می نشینیم روی رحمانیت خدا فکر می کنیم، روی رحیمیت خدا فکر می کنیم. ان شاء الله هفته گذشته دوستان نشسته اند پای آنچه را که در هفته قبل عرض کرده بودم و لذتهایش را برده اند. و ان شاء الله همه تان این طور باشید.

اما مکاشفه‌ی علمی یک مطلبی، همین معنای رحمانیت خدا یا رحیمیت خدا را اگر خدا می داند توی همین مجلس من و شما خوب به حقیقتش برسیم، یک لذتی می بریم که اصلاً با مکاشفات غیر علمی قابل مقایسه نیست. یک

مطلبی فهمیدی، به یک جایی رسیده‌اید، چون ما اهل علوم دنیایی هستیم و، اهل دنیا هستیم بد نیست برای بعضی این مثل را بزنم. یک وقتی خود من در یک بخشی توی مدرسه از علم مثلاً برق بودم، داشتم نگاه می‌کردم، مطالعه می‌کردم، خودم را نمی‌خواهم بگویم چون خیلی بچه‌گانه است، ولی وقتی کشفش کردم آن چنان خوشحال شدم رفتم به این و آن گفتم من یک چنین کشفی کردم که اگر مثلاً برقی را به کجا متصل کنید با یک سیم، می‌شود چراغی روشن کرد. بعضی‌ها هم به من خندید گفتند: "این‌ها همه معلوم است همه می‌دانند تو نمی‌دانستی." ولی لذتش بود، ابتکارش مال من بود. من فهمیده بودم. شما خیال می‌کنید که این مکتشفین و مخترعین که توی آزمایشگاه روزها می‌نشینند و دارند

چیزهایی را کشف می کنند این ها با فشار و ناراحتی آنجا نشسته اند؟ لذت می برند. آن چنان لذت می برند که گاهی از خوردن و خوابیدن فراموش می کنند. این به خاطر این است که من و شما یا اکثریتمان، ان شاء الله اقلیتی باشند که این لذت ها را لذت ندانند و اگر یک حقیقت را یافتند، یک مطلبی درباره ی خدا، درباره ی ائمه، درباره ی قیامتشان تشخیص دادند و درک کردند، آنجا می فهمند که لذت هایی که نیوتن و انشیتن و امثال این ها می برند توی آزمایشگاه، آن ها لذت نبوده، آن ها لذت هایی بوده که یک کشفی کردند برای همین دنیایشان. ولی تو کشفی کردی که دنیایت اصلاح می شود، برزخت اصلاح می شود، قیامت اصلاح می شود و بهشت هم اصلاح می شود. اینجا است که انسان می فهمد

که لذت یعنی چه؟ اگر مال لذت رحمانیت پروردگار را، لذت رحیمیت پروردگار را بچشیم، حاضر نیستیم کار دیگری بکنیم، روزها می نشینیم روی رحمانیت خدا فکر می کنیم، روی رحیمیت خدا فکر می کنیم، ان شاء الله هفته ی گذشته دوستان نشسته اند پای آنچه را که در هفته ی قبل عرض کردم و لذت هایش را برده اند. و ان شاء الله همه تان این طور باشید.

۶- رحمت خاص الخاص پروردگار

یک رحمت خاص الخاصی پروردگار دارد که آن مال یک عده ی خاص الخاصی است. بعضی می گویند: «مال ائمه ی اطهار است». ولی این طور نیست. یک لذت خاص الخاص، یک رحمت خاص الخاص، مال یک افراد خاص الخاص.

آن‌هایی که می‌گویند مخصوص ائمه‌ی اطهار علیهم‌الصلوة و السلام است، ان شاء الله ندانسته می‌خواهند شما را از آن رحمت دور کنند. خیلی مهم است. و الاّ خدا در قرآن صریحاً بیان کرده که آن رحمت شامل خیلی‌ها می‌شود. فقط «همّت» می‌خواهد، «جدیت» می‌خواهد که اگر آن رحمت شامل‌تان بشود، یک آرامش خاصّی، یک طمأنیه‌ی خاصّی، یک ارتباط خاصّی با ذات مقدّس پروردگار پیدا می‌کنید که اصلاً خودتان را با خدا جدا نمی‌دانید.

ماها الان یک مشکلمان این است که خیلی ضعیفیم یک انسان به ما حمله کند می‌ترسیم، یک وعده‌ی ناجوری به ما بدهند وحشت می‌افتیم.

اما اگر انسان یک رابطه‌ی خاصّ الخاصّی با خدا برقرار کند، خدا را همیشه با خودش ببیند و مهربانی خاصّ نه، مهربانی خاصّ الخاصّ را از خدا مشاهده کند، به خدا قسم! خودش را فکر می‌کند که با خدا است و همه‌ی قدرت پروردگار هم پشت سر است و اصلاً دارای قدرت پروردگار است. به طور کلی با خدا یکی است.

شما یک رفیق قدرتمندی داشته باشید این با شما خصوصی که نه، خصوصیت‌ترین خصوصیه‌ها باشد، شما همیشه راحتید. می‌گویید: اگر فلان دستگاه با من درگیر بشود، من به او می‌گویم، اگر فلان مثلاً قدرتمند با من درگیر بشود، به او می‌گویم، اگر مثلاً فلان فقر به طرف من بیاید، به او پناه می‌برم، اگر فلان مرض به طرف من بیاید، پیش او می‌روم، این طور یک

حالتی و می‌روید و استفاده هم می‌کنید مکرراً هم تجربه کرده‌اید، ببینید چه حالی پیدا می‌شود برایتان. خدای عظیم، خدایی که آن قدر مهربان است که انسان را به هیچ وجه تنها نمی‌گذارد.

فرموده من رفیقم، رفیق می‌دانید یعنی چه؟ تو نمی‌توانی رفیق خدا بشوی، ولی خدا می‌گوید: «من رفیق تو هستم». رفیق یعنی مدارا می‌کنم با تو. تو در کمال ضعفی من با تو مدارا می‌کنم، تو در کمال بیچارگی هستی من با تو هستم، «إِنَّا مَعَكُمْ»، به حضرت موسی می‌فرماید که من با شما هستم،

«أَسْمَعْ وَ أَرَى»^{۱۵}، هم می بینمتان، هم صدایتان را می شنوم.
بهبه! چقدر خوب است.

این رحمت خاصّ الخاص؛ بعضی می گویند مخصوص،
چون خیلی مهم است، مخصوص ائمه ی اطهار و پیغمبر اکرم
است، و آن رحمت "صلوات" است. صلوات یعنی رحمت
خاصّه ی خاصّ الخاص پروردگار،

۷- صلوات شامل چه کسانی می شود؟

این شامل حال پیغمبر و آلش که می شود، چون خدای تعالی
اول سهم آن ها را داده چون آن ها طبق همین آیاتی که امروز

۱۵- سوره طه، آیه ۴۶.

تلاوت کردید، می فرماید: «قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ»^{۱۶}، من اوّل عابدم و اوّل مخلوقم و اوّل محبوب پروردگارم و مطالب دیگر.

سهم آنها است، خدا می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ»، خدا و ملائکه اش اینها همه «يَصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ»، آن رحمت خاص الخاص را بر پیغمبر نازل می کند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، ای کسانی که ایمان آورده اید. به کسانی که ایمان نیاورده اند کاری ندارد، به آنها ای که ایمان آورده اند، «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»، چون دعاهاى شما، چون تقاضای رحمت برای آنها از شما، این مورد توجه است،

۱۶- سوره زخرف، آیه ۸۱.

«صَلُّوا عَلَيْهِ»^{۱۷}، شما هم از خدا درخواست رحمت خاصّ الخاص را بکنید و بر او سلام بگویید. خوب، تا اینجا معلوم است که فقط مال پیغمبر است. اوّل مال پیغمبر،

اما در ذیل همین آیه شریفه صد ها روایت که سنّی و شیعه قبول دارند، فرموده‌اند: «لَا تُصَلُّوا عَلَى صَلَاةٍ مَبْتُورَةٍ»^{۱۸}، که «بتراء و مبتوره»، یعنی کوتاه، صلوات بر من نفرستید. که من به یکی از علمای اهل سنّت گفتم، گفتم: این نهی پیغمبر، یا حرام است اگر کسی انجام بدهد نهی را، عمل نکند یا اینکه کار مکروهی کرده.

۱۷- سوره احزاب، آیه ۵۶.

۱۸- وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۸۴.

از پیغمبر اکرم سؤال کردند «صلاة بتراء» چیه؟ صلوات کوتاه
چیه؟ حضرت فرمود: «أَنْ تُصَلُّوا عَلَى»، این که بر من صلوات
بفرستید و آل من را حذف کنید. بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، این جوری صلوات بفرستید، که اگر
گفتید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ»، و اینجا قطعش کردید، این
یا حرام است یا مکروه است؛ و قبول کرد.

پس، می بینیم بعد از پیغمبر آل پیغمبر است. و من در کتاب
انوارالزهراء، مستدلاً مثل آفتاب روشن کردم که آل، منظور
همه ی ذریه ی پیغمبر تا روز قیامتند. خوب، می بینید خیلی
دایره وسیع شد، خیلی ها را شامل شد غیر از پیغمبر،

و از این بهتر و صریح تر، خدای تعالی در قرآن مجید
می فرماید که «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ»، ای منتظرین ظهور! این ها از

من هست، معنای آیه نیست ولی مسلماً منظور همین شماها
هستید که روز جمعه منتظر فرج آقا ولی عصرید.

ای منتظرین ظهور، ای مسلمانهایی که در فشار کفر و شرک و
زندقه هستید، ای مسلمانهایی که همیشه در فشار بوده‌اید از
زمانی که در خانه‌ی علی بن ابیطالب را بستند و در به پهلوی
مادر ائمه‌ی اطهار زدند!

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ» شما را امتحانتان می‌کنیم، «بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ
وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»^{۱۹}
صبرکننده‌ها شماها هستید،

۱۹ - سوره بقره، آیه ۱۵۵.

شماها هستید که اگر بفهمید و صبر کنید ارزش دارد، نه نفهمیده. خُب، به زندگی عادت کرده‌ایم و به همه‌ی ظلمها عادت کردیم و به همه‌ی بی‌سوادی‌ها و بی‌فهمی‌ها و بی‌درکی‌ها و بی‌علمی‌ها عادت کرده‌ایم و حالا هستیم، نه. اگر بدانید چی از شما گرفته‌اند، من یک اشاره‌ی کوچک می‌کنم و آن این است که علی بن ابیطالب چهار سال حکومت کرد، چهار سال با سه جبهه جنگ کرد، یعنی در این چهار سال وقتش به این کارها هم گذشت، ولی کلماتش آن چنان باقی مانده که دنیا را تکان داده، اگر بیست و پنج سال دیگر علی هم حرف می‌زد، اگر ائمه‌ی اطهار هم سخن می‌گفتند، اگر با مردم مانند آن چهار سالی که علی سخن گفت، سخن می‌گفتند، ببینید، ما وضعمان امروز از نظر علم و دانش و

معرفت به کجا می‌رسید، ماها ظلم را عادت کرده‌ایم، جهل را عادت به آن کرده‌ایم، «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»، آن‌هایی که می‌فهمند و صبر می‌کنند، تحمل می‌کنند، معصیت نمی‌کنند، تقوایشان را رعایت می‌کنند، به این‌ها بشارت بده، «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ»

ما خیال می‌کنیم مصیبت فقط مردن یک دوستی است. نه، این مصیبت خیلی جزئی است در مقابل مصیبت غیبت حضرت بقیه‌الله و دور بودن از علوم و معارف خاندان، عصمت، «قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ» یک دلخوشی دارند این مردم مصیبت زده، مردم صابر، یک خوشحالی دارند و آن این است که «إِنَّا لِلَّهِ»؛ ما مال خدا هستیم «وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، یک وقتی

بر می گردیم به سوی خدا و همه ی ناراحتی هایمان رفع می شود.

اولئک، اینجا منظور مطلب من است، شما در غیبت حضرت ولیعصر صبر کنید، گناه نکنید، حواستان جمع باشد، خودتان را آماده ی برای ظهور کنید، خودتان را منتظر واقعی قرار بدهید، «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ»، خیلی عجیب است! خدا بر شما صلوات می فرستد. هم رحمتش که هم رحمت عام و خاص باشد و هم رحمت خاص الخاص باشد، بر شما می فرستد؛ نمی خواهید؟ این هدیه ی خوبی بود روز جمعه خدای تعالی به زبان من جاری کرد، قبول کنید. «ان شاء الله» عمل کنید و برسانید خودتان را تا هفته ی دیگر به آن هایی که «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ

وَرَحْمَهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»^{۲۰}، این‌ها همان مفلحونی هستند که «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»، این‌ها همان مفلحونی هستند که «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى»، این‌ها همان مؤمنونی هستند که «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا». امیدوارم بحث امروز، من خودم را کوچکتر می‌دانم از این که بگویم درس امروز ولی شماها به عنوان درس قبول کنید، خدای تعالی شاهد است که اگر همین حرفها را قبول کنید، از ده سال درس دانشگاه برایتان مفیدتر است. نمی‌دانم ممکن است بگویید فلانی ببین چه حرفهایی می‌زند؟! هر کس کمتر از این فکر بکند، من فکر می‌کنم دیرتر به حقیقت می‌رسد. خودتان را به رحمت خاص

۲۰- سوره بقره، آیه ۱۵۵-۱۵۷.

الخاص پروردگار برسانید و راهش هم، هم خدا تعیین کرده و ما هم از زبان خدای تعالی برایتان عرض کردیم. وقت تمام شد، امیدوارم که خدای مهربان، خدای عزیز، خدای رحمان و رحیم، خدایی که هر چه داریم از خدا داریم، جز مهربانی و عطوفت از پروردگار چیزی ندیدیم، توقّعی که امروز از او داریم عملی بشود، «الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ»^{۲۱}، ظهور حجه‌بن‌الحسن که به همه‌ی مراتب و مراحل مهربانی خدا رسیده‌ایم اگر این مهربانی کلی انجام بشود. خدایا! امروز که جمعه آخر ماه شوال است، نزدیک به تولّد حضرت معصومه سلام الله علیها است و ایام شادی خاندان عصمت و طهارت

۲۱- مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان در روز جمعه.

است؛ خدایا! دل‌های ما را هم شاد کن. تو هم می‌دانی که دل‌های مؤمنین جر با ظهور «حجة بن الحسن» شاد نمی‌شود. خدایا! فرج آن حضرت را برسان، همه مان را از این سرگردانی‌های زمان غیبت نجات مرحمت بفرما.

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَزْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ
عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيَْتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ
لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ»

نام «حسین بن علی» را که پیش حضرت آدم جبرئیل برد دلش شکست، مؤمنین علامتشان این است که وقتی چند دفعه گفتند: «یا حسین»، دلشان حتماً می‌شکند، مصیبت لازم نیست. روز جمعه، شما دعای ندبه می‌خوانید، «فَلْيَبْكِ
الْبَاكُونَ وَ فَلْيَمْثُلْهُمْ فَلْيُذَرْفِ الدُّمُوعَ وَ الْيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ وَ

يُضِجُ الضَّاجُونَ»^{۲۲} بعد چى مى گوييد؟ «أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ
 الْحُسَيْنِ»، کلمه ی حسین یک کلمه ای است که دل ها را آتش
 مى زند، «السَّلام عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى
 أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ. الَّذِينَ بَدَلُوا مُهَجَّهُمْ
 دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ» .

نسئلك الله و ندعوك باعظم اسمائك و بمولانا و سيدنا و
 امامنا صاحب الزمان يا الله، يا الله، يا الله، يا الله، يا الله، يا الله، يا الله
 و يا الله و يا الله و يا الله و يا رحمن و يا رحيم
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
 اللهم صلى على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

۲۲- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶- مفاتيح الجنان، دعای شریف ندبه.

خدایا! فرج آقا امام زمانمان را برسان
قلب مقدسش را از ما راضی بفرما
خدایا! این روز را روز فرج آن حضرت قرار بده
خدایا! ما را از کمالات حضرت معصومه محروم نفرما
معرفت و محبت آن‌ها را به ما مرحمت بفرما
محبت آن‌ها را به ما مرحمت بفرما
خدایا! به آبروی خاندان عصمت، به آبروی خاندان عصمت
و طهارت ما را مشمول مهربانی خاصّ الخاصّت بگردان
درود و صلوات را بر ما نازل بفرما
پروردگارا! حوایج این جمع برآور
خدایا! به آبروی خاندان عصمت و طهارت ما را به کمالات
روحی برسان، صفات رذیله، مرضهای روحی را از ما دور بفرما

عاقبتمان را ختم به خیر بفرما.